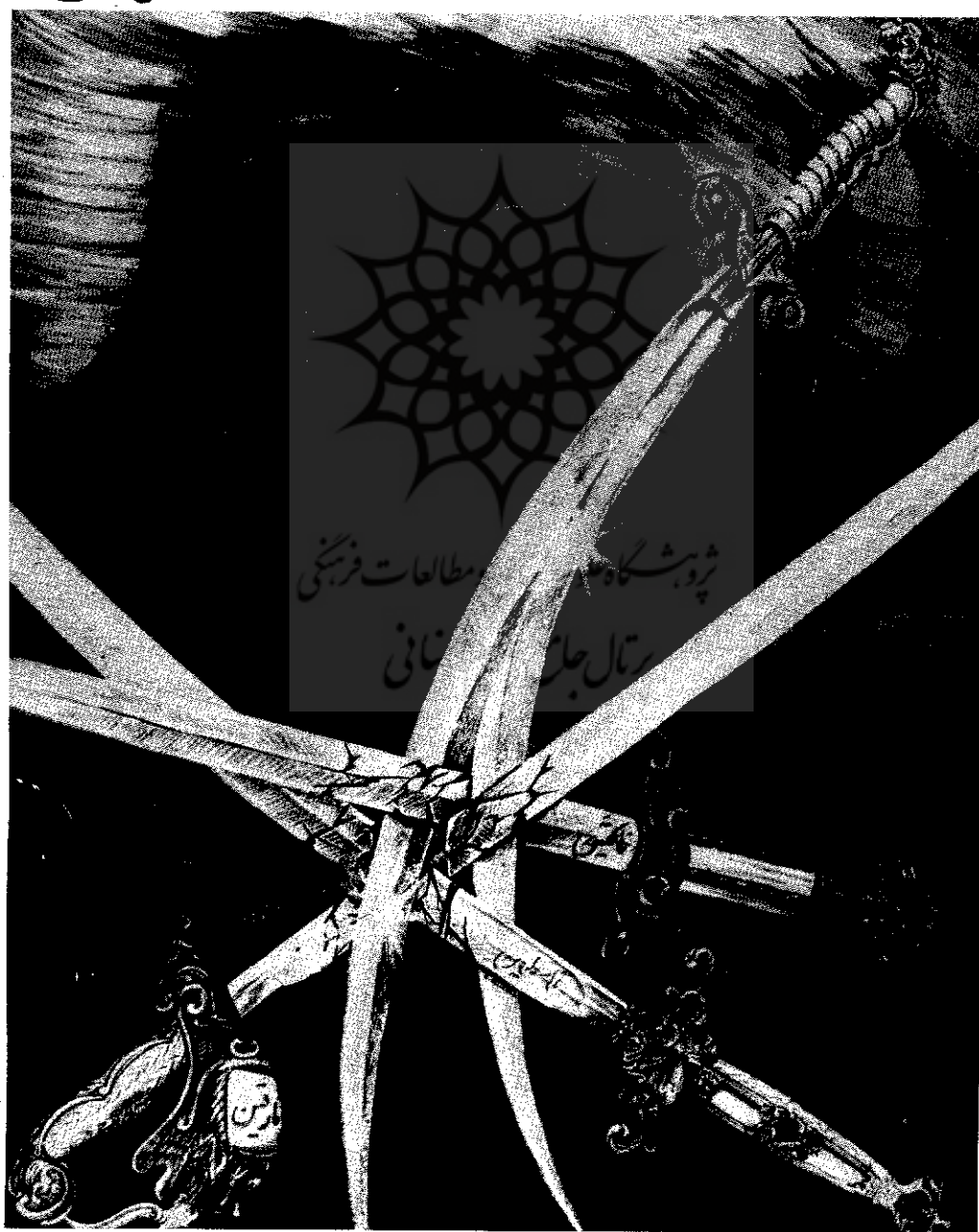


آثار هنرمندان قزوین در  
موزه هنرهای معاصر  
**استعدادهای نو و  
اصالت هنری**



موزه را آثار لوکس، تکراری و تصنعی کسانی پر می‌کرد که با تبلیغات و جنجال‌های کاذب هنری به هنرمندان نامداری بدل گشته بودند، اکنون تابلوهایی زینت بخش این دیوارهاست که می‌کوشد بیش از هر چیز با بیننده‌ی خود ارتباطی تازه، وسیع و گسترده ایجاد کند.

وظیفه‌ی هنر قبل از هر چیز ایجاد ارتباطی تازه و سازنده با مخاطبین خود است و اگر هنر نتواند این اولین وظیفه‌ی خود را به انجام رساند و با بیننده‌ی خود ارتباط برقرار کند محکوم به شکست، دوری از اجتماع و لاجرم تفرعن است. موزه‌ی هنرهای معاصر دوره‌ی جدید فعالیت خود را براساس این ارتباط جدید بنا نهاده است. چیزی که هیچگاه پیش از این در مد نظر خود نداشته است، بنابراین نمایشگاه‌های اخیر این موزه ارائه‌ی وجوه گوناگون هنر معاصر ایران در ارتباط با مسائل روزمره‌ی مردم مسلمان، یافتن شکل‌های تازه‌ای برای تجسم عینی ارزش‌های جدید اجتماعی و ذهنیات مردم، جستجو در ارائه‌ی شکل‌های نو و خلاق در هنرهای ریشه گرفته از فرهنگ اسلامی، اخلاق و سنت مردم ایران با فرهنگها و قومیت‌های گوناگونشان و بالطبع توجه به هنر و هنرمندان نوپا، ناشناخته و استعداد‌های جوان و چهره‌های جدید در دورافتاده‌ترین نقاط این سرزمین است.

این راه، راهی دشوار و طولانی است چرا که به علت عدم توجه به این زمینه‌ی غنی از فرهنگ و هنر اسلامی در ایران در زمان گذشته هنرمندان شهرستانی نتوانستند هنر خود را در یک دادوستد ذهنی و معنوی با مخاطبین خود تعالی بخشند. از

● توجه به هنر مردمی، تمایل به ارائه‌ی آثار هنرمندان جوان شهرستانها، ایجاد رابطه‌ی جدید بین هنرمندان برخاسته از بطن مردم این سرزمین و مخاطبینی که تشنه‌ی شناخت هنرمندان جوان خویشند از هدفهایی است که موزه‌ی هنرهای معاصر تهران در دوره‌ی جدید فعالیت خود با آگاهی و با دقت آنرا تعقیب می‌کند و دو نمایشگاه برقرار شده از نقاشی هنرمندان شهرستان قزوین و خطاطی رضا مشعشی در این موزه نمایشگر این توجه و نیز تأییدی براقبال و استقبال مخاطبین جستجوگر می‌شده، هر چند که اینها نخستین گام در راه نیل به این هدف پویانند.

موزه هنرهای معاصر تهران که اکنون در چهارمین سال بازگشایی مجدد خود است به یکی از فعالترین مراکز ارائه و نمایش هنرهای معاصر ایران بدل گشته و در این دوره از فعالیت خود برخلاف گذشته چشم به نامهای پرطمطراق و دروغین ندوخته است بلکه بدنبال دستیابی به هدفهایی است والا تر در زمینه‌ی هنرهای تجسمی ایران اسلامی. اگر دیوارهای گالری‌های این



در سیرت خیر است که در راه  
 یکتا میجوید به...  
 حرم عفت سلوک که سر مالدار است  
 کسرا کسرا کسرا کسرا کسرا  
 بوز ادوات که سر کسرا  
 علم سد و سر کسرا  
 عیال کسرا کسرا کسرا  
 کسرا کسرا کسرا کسرا



در سیرت خیر است که در راه  
 یکتا میجوید به...  
 سر کسرا کسرا کسرا  
 کسرا کسرا کسرا کسرا  
 کسرا کسرا کسرا کسرا  
 کسرا کسرا کسرا کسرا



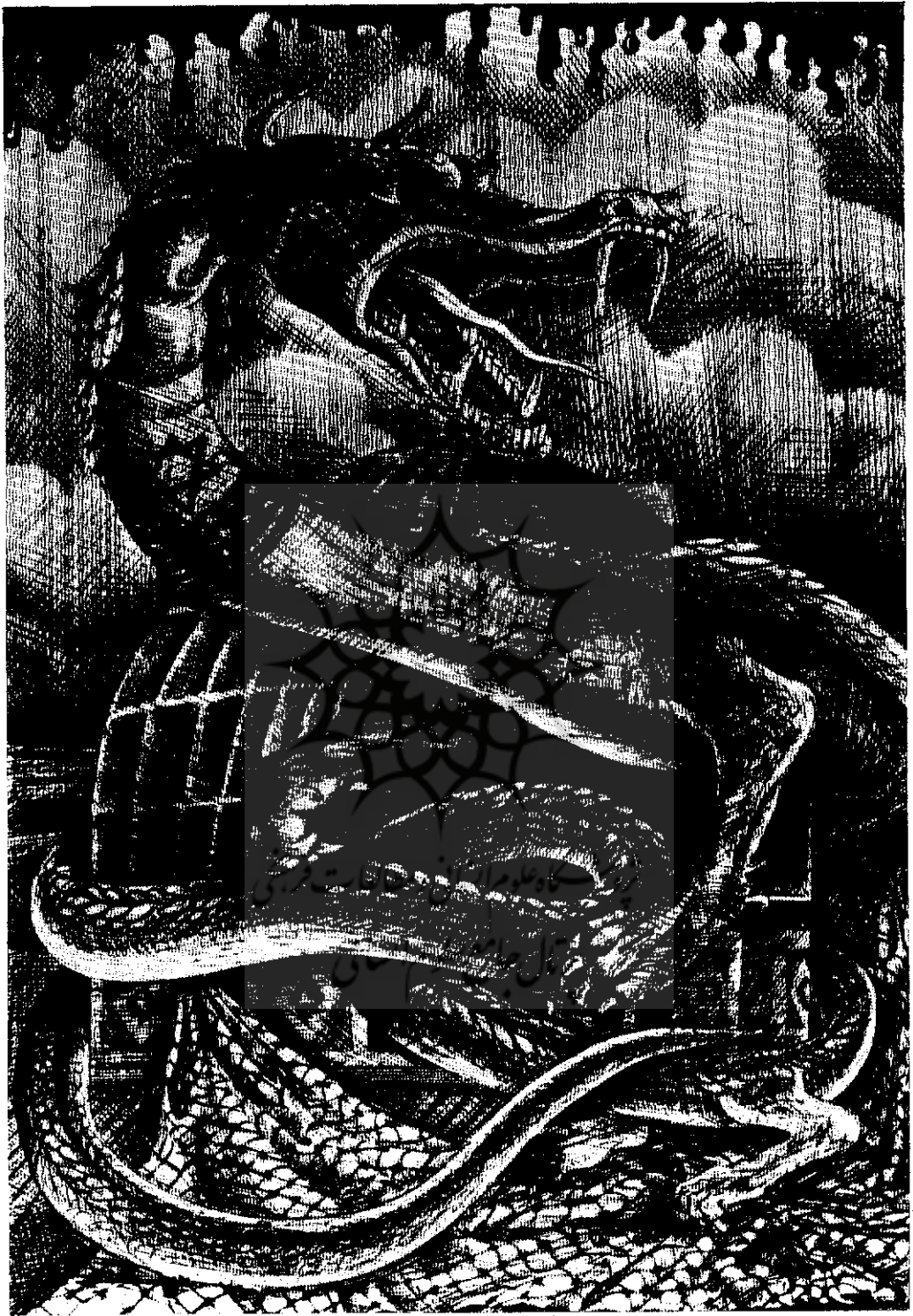
همین رو وظیفه‌ی موزه نه فقط ایجاد امکان این ارتباط بلکه در اختیار گذاشتن راههایی برای نیل به کمال هنری برای این هنرمندان و استعداد‌های نوپا و جوان است. نمایشگاه آثار هنرمندان قزوین کوششی در راه این هدف است.

موزه هنرهای معاصر تاکنون نمایشگاه‌های جمعی از آثار هنرمندان شهرستانهای مشهد- تبریز- ارومیه، استان مازندران و سیستان و بلوچستان برگزار کرده است. علاقمندان به شناخت هنرمندان هنرهای تجسمی در ایران تاکنون نتوانسته بودند بدلیل جو حاکم بر گالری‌ها و موزه‌ها، آثار هنرمندان نوپای مثلاً استان سیستان و بلوچستان را ببینند و این استعدادها بخاطر نداشتن امکان در ارائه‌ی ذهنیات خود هرگز نمی‌توانستند امکان شکوفایی یابند. وظیفه‌ی یک موزه‌ی هنری طبعاً ایجاد این

امکان است و روشن است که قسمت اعظم این آثار نمی‌توانند کارهای درخشان یا در اوج باشند. هنرمندان قزوین جوانانی هستند در آغاز راه که هنرمندان آینده‌ی ایران اسلامی اند و با حمایتی که جمهوری اسلامی از آنان می‌کند در روند تکامل حرکت می‌کنند. اما هیچ هنرمندی یک شبه زاده نمی‌شود. باید به استعدادها امکان شکوفایی داد و این بیننده است که شوق تکامل را در ذهن هنرمند برمی‌انگیزد. در میان آثار هنرمندان قزوین به شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون برمی‌خوریم. از منظره‌های پرکار سبک امپرسیونیستی و زیبای احمد کامگاری و مناظر ساده‌ی هنرمند نوجوان رامین کیان مهر تا طرح‌های سیاه‌قلم احمد فراهانی، از نقوش تزئینی بهاء‌الدین جاوید تا آثار واقع‌گرایانه‌ی دلزنده و محمدرضا فیروزه از آثار ملهم از سنتها و



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
التواترين  
الذين هم خاتم النبيين  
مبعوثين  
على كل قبيلة  
نبي  
والله اعلم  
بما يعلن  
في  
الآخرة  
والله اعلم  
بما يعلن  
في  
الآخرة





موزه هنرهای معاصر را پرمی کنند. اکثر این هنرمندان تازه کارند به جز تعدادی از آنها نظیر بهاء الدین جاوید یا محمدرضا فیروزه که قبلاً در چند نمایشگاه جمعی شرکت کرده اند، بقیه برای

مایه های هنر اسلامی زارع پور تا پرتوهای دقیقاً بازسازی شده محمدرضا فیروزه همین تنوع است که راهگشای ایجاد ارتباطی تازه و سازنده بین هنرمند و بینندگان مشتاقی است که گالری های



نخستین بار است که آثارشان را بنمایش می‌گذارند اما هنرمندان شهرستانی ما به این توجهی که طی سالیان دراز از آنها دریغ شده بود احتیاج دارند.

یکی از گالری‌های موزه به ارائه آثار رحیم ناظر اختصاص داشت. ناظر هنرمندی شناخته شده است و سبک مخصوص بخود دارد. تابلوهای بهار به اش بسیار لطیف و پراحساسند. ناظر اینک مربی نقاشی دانشگاه هنر است.

\*\*\*

خطاطی و آثار خط - نقاشی از دستمایه‌هایی است که با سنت‌های فرهنگی - مذهبی ایرانی همیشه عجین بوده است و چهره‌ی هنر معاصر ایران هنرمندانی درخور و برجسته در این زمینه داشته است. ایرانی این هنر را با همه‌ی وجود خود درک می‌کند و با آن ارتباط می‌سازد. هنر خطاطی از قدیمی‌ترین زمانها از قرآنهاى خطی تذهیب شده‌ی قدیمی گرفته تا سیاه‌مشقه‌های خطاطانی که بخط نستعلیق فارسی قوام و تکامل بخشیدند. در طی سالیان اخیر توجه به خطاطی بخشی از فرهنگ هنری پر بار ایران شد. هنرمندانی چون شادروان مافی و بسیاری دیگران در این راه کوشیدند. انجمن خوشنویسان ایران در تعلیم این هنر زیبا و ظریف ایرانی و اسلامی سالهاست فعالیت می‌کند. چشم و ذهن ایرانی با این شیوه از هنر بسیار زود ارتباط برقرار می‌کند و این بی‌شک بخاطر ریشه دار بودن این هنر در سنتهای فرهنگی و اسلامی این مردم است. مردم در زندگی روزمره‌ی خود با جلوه‌های متنوع این هنر مواجهند و

طی چند سال اخیر این زمینه از هنر نیز دستمایه‌ی کار خطاطان و هنرمندان نو پا و جوانی گشت که می‌کوشند شکل‌های تازه و بصری بخط نستعلیق فارسی ببخشند.

کارهای غلامرضا مشععی فارغ‌التحصیل انجمن خوشنویسان برای مدتی زینت بخش دیوارهای یکی از گالری‌های موزه هنرهای معاصر بود. او که ۳۳ سال دارد در سال ۱۳۴۹ از این انجمن فارغ‌التحصیل شده است. اکثر کارهای به نمایش گذاشته شده‌اش بشیوه‌ی شکسته - نستعلیق و به روش درویش عبدالمجید طالقانی هستند. درویش عبدالمجید خطاط اواخر قرن یازدهم است که خط شکسته را به حدّ میر در خط نستعلیق می‌رساند. نیمی از آثار مشععی خطوط بدون رنگامیزی و بدون تذهیب هستند که با الهام از اشعار حافظ نوشته شده‌اند. اکثر این کارها با مرکب مشکی روی کاغذ سفید و بدون هرگونه آرایش نوشته شده‌اند و نیم دیگر با تزئیناتی از رنگ یا تذهیب‌های در دور خطوط همراهند. اکثر این تذهیب‌ها نیز کار خانم ملیح باصری مینیاتورست و تذهیب کار هستند. اما در همه‌ی آثار تمجید مشععی از استادش درویش عبدالمجید زینت بخش کارهاست.

موزه هنرهای معاصر در برنامه‌ی کار خود قصد ادامه‌ی این راه دشوار را دارد: توجه به معرفی هنر در سطح شهرستانها و استانهای ایران، ایجاد ارتباطی بین مردم و هنرمندان مردمی و دستیابی به هنری که مردم آنرا متعلق بخود بدانند، به آن مایه بدهند و از آن مایه بگیرند.